

دل نوشته همسایه کوچک امام رضا(ع)

زیارتی که خاطره شد



آن روز چهارشنبه زیارتی، هرگز فراموش نمی شود، همه بچه های کلاس پنجم دبستان نسیم ظهور، دل توی دلشان نبود. چون قرار بود به رسم ادب و همسایگی با امام رئوف حضرت رضاع(ع) پای پیاده و همراه با خانم معلم به زیارت ضامن آهوع(ع) برویم. خانم تیموری از خوبی های امام رضاع(ع) و معجزاتش برای ما می گفت و راه کوتاه می شد. هر قدمی که به حرم نزدیک ترمی شدیم بر هیجان ما افزوده می شد. لحظه شماری می کردیم که هرچه زودتر به صحن امام مهربانی ها برسیم و وضو بگیریم و زیارت نامه و نماز زیارت بخوانیم و برای همه کسانی که به ما گفته اند ما را هم دعا کنید، دعا کنیم.



حرم پر از صفا و نور و آرامش است. احساس می کنیم به بهشت پا گذاشته ایم. دیدن جمعیت مشتاق، روح و جانمان را تازه می کند و هرچه خستگی، اندوه و نگرانی تمام می شود.



با ادب و احترام و فروتنی دست بر سینه می گذاریم و زیارت خاصه را با هم زمزمه می کنیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُتَّقِي
الْإِمَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ
مَنْ تَحْتَ الثَّرَى الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ صَلَاةً كَثِيرَةً تَامَّةً
رَاحِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ
عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ.

